تَلبیس إبلِیس

در،

عملیّات پاریس

نوشته:

شیخ حسین بن محمود (حفظه الله)

الحمدلله وحده و الصلاۀ والسلام علی من لانبی بعده:

اما بعد: از جمله مصیبت های این زمان؛ بی خردهایی که در گوشه وکنار نشسته، به خود جرأت داده و بر مسائلی حتی سوگند میخوردند، و فتوا صادر می کنند، چقدرفاجعه های بزرگی در این حادثه شنیدیم و بلکه دیدیم ، که نزدیک است بسبب آنها کوهها در هم کوبیده وآسمان از هم پاشیده و ستارگان از آسمانهای بلند بیافتند !!

مصیبت بزرگ...

پیامبر صلی الله علیه وسلم از ترّحم بر مادرش " آمنۀ بنت وَهَب " که به وی شیر داده و در دامان او بزرگ شده، از جانب الله تعالی نهی شد، زیرا بر روی غیر دین إسلام مُرد، و حتی بر عمویش أبوطالب – که تا آخرین لحظات زندگی اش از وی دفاع کرد و او را پناه داد – ترّحم ننمود، زیرا إسلام نیاورد !! أما عده ای که از جانب الله تعالی (به نام داعی و مفتی) به خود جرئت داده و بر روح فرانسوی ها ترّحم و ابراز همدردی نمودند..!!

به إجماع علما، ترّحم برای کافران جایز نیست؛ {وَلاَ تُصَلِّ عَلَى أَحَدٍ مِنْهُمْ مَاتَ أَبَدًا وَلاَ تَقُمْ عَلَى قَبْرِهِ إِنَّهُمْ كَفَرُوا بِالله وَرَسُولِهِ وَمَاتُوا وَهُمْ فَاسِقُونَ} (التوبۀ : ٨٤) بر هیچکدام از آنان، هیچوقت نماز (میت) برپای مدار، و بر روی قبرشان نیز نایست، آنان بنسبت الله و رسولش کافر شدند، و بر روی (کفر) مرده درحالی که فاسق بودند." {وَسِيقَ الَّذِينَ كَفَرُوا إِلَى جَهَنَّمَ زُمَرًا حَتَّى إِذَا جَاءُوهَا فُتِحَتْ أَبْوَابُهَا وَقَالَ لَهُمْ خَزَنَتُهَا أَلَمْ يَأْتِكُمْ رُسُلٌ مِنْكُمْ يَتْلُونَ عَلَيْكُمْ آيَاتِ رَبِّكُمْ وَيُنْذِرُونَكُمْ لِقَاءَ يَوْمِكُمْ هَذَا قَالُوا بَلَى وَلَكِنْ حَقَّتْ كَلِمَةُ الْعَذَابِ عَلَى الْكَافِرِينَ} (الزمر:٧١) " و کافران به سوی دوزخ گروه گروه رانده می‌شوند و هنگامی که بدانجا رسیدند درهای آن به رویشان گشوده می‌گردد و نگهبانان دوزخ بدیشان می‌گویند : آیا پیغمبرانی از جنس خودتان به میانتان نیامده‌اند تا آیه‌های پروردگارتان را برای شما بخوانند و شما را از رویاروئی چنین روزی بترسانند ؟ می‌گویند : آری ! (پیغمبران برانگیخته شدند و اوامر و نواهی خدا را به ما رساندند و از عذاب آخرت بیمان دادند) ولیکن فرمان عذاب بر کافران ثابت و قطعی است (و ما راه کفر در پیش گرفتیم و باید هم تاوان آن را بپردازیم و چنین سرنوشت شومی داشته باشیم) .

{وَالَّذِينَ كَفَرُوا إِلَى جَهَنَّمَ يُحْشَرُونَ} (الأنفال : ٣٦) " وكسانى كه كافر گشتند، بسوى جهنم حشر ميگردند."

پس هركسى كه دعوت محمدى به وى إبلاغ شد و بر روى كفر خود مرگش فرا رسيد، وتوبه نكرده بود، در آتش جهنم بصورت جاودانه باقى مى ماند..

براستى رويداد بزرگ و مصيبت عظيم ، بلايى است امروزه مسلمانان در أين زمان به آن دچار گشته اند؛ از تحريف مبادىء و نشانه هاى دين، بطورى كه واژه و إصطلاحات شرعى واژگون گشته است، جهاد را: خوارج بودن، مزدورى را: إعتدال، تحريف دين را: ميانه روى، عقب ماندن وتخلف از جهاد را: حكمت و مصلحت، حكم به غير ماأنزل الله را: مدنيّت، ولاء وبراء را: تندروى، إقامه حدود را: غلوّ، إلغاء أحكام وشريعت قرآنى را: مراجعات فكرى، و إقرار به كفر و إلحاد وشرك را: دمكراسى، مى پندارند وبراى مردم اينگونه معرفى ميكنند، و غريب تر از اينكه نه تنها علما و طالب علم ها از بيان أحكام شرع سكوت اختيار كرده، بلكه در صدد تغيير ثوابت دين ومنقلب نمودن أحكام شريعت،برآمده و آن را به منكر ومنكرات را بعضى اوقات به كفر در واقع زندگى مسلمانان ، معرفى مى نمايند..!!

به كسانى كه قتل كافران پاريس، نزدشان ناخوشايند آمد، اين آيه قرآن را متذكر مينماييم، كه خطاب به بندگان وأولياء مؤمن و مجاهدان چنين مى فرمايد:{قَاتِلُوهُمْ يُعَذِّبْهُمُ اللهُ بِأَيْدِيكُمْ وَيُخْزِهِمْ وَيَنْصُرْكُمْ عَلَيْهِمْ وَيَشْفِ صُدُورَ قَوْمٍ مُؤْمِنِينَ} (التوبة۱۴) آنان (كافران) را بكشيد تا الله تعالى آنان را با دستان شما عذاب بدهد وتا آنان را خوار نموده وشمارا برآنان يارى دهد و قلب و سينه مؤمنان شفا يابد،" كسى كه از ديدن منظره كشته شده گان آن كافران محاربى كه در أفغانستان ومالى و عراق و شام و سائر ديار مسلمانان در طول تاريخ، به جنگ و قتل و خونريزى مسلمانان مى پرداختند، قلب و سينه اش شفاء نيافت، ويا قتل آن كافران پاريس نزدش ناخوشايند آمد، پس بايد برود و بدنبال وصف ديگرى غيراز وصف قرآنى (مؤمنين) براى خويش بگردد. در قلب كسانى كه براى كشتن آن كافران اندوهگين شدند، ذره اى إيمان وجود ندارد، در حالى كه جنگنده هاى فرانسه را مى بينند كه چگونه در سوريه أطفال و فرزندانمان را قتل عام و بمباران مى كنند...

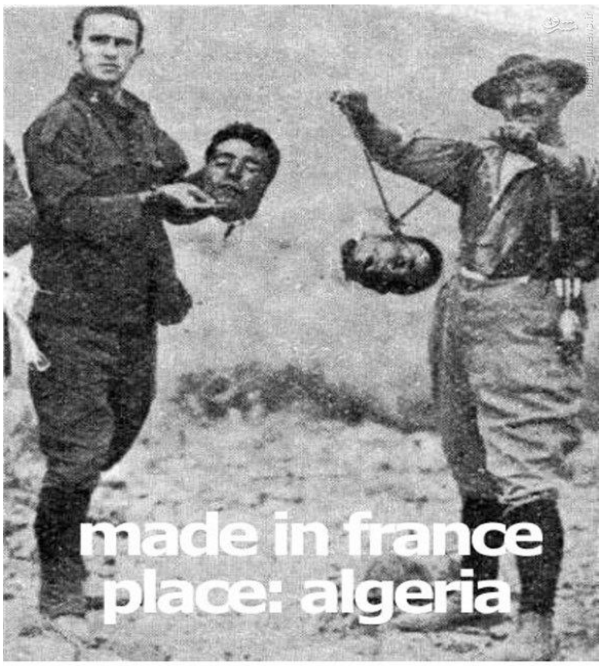
پس حال آنان را مشاهده کنید، اما، قرآن حال انسان مؤمن را به هنگام عذاب و رسوایی و شکستی که بر کفار آمده است، چگونه توصیف می نماید...؟!!

مصیبت دیگری...

از فاجعه هایی که در این رویداد مشاهده نمودیم؛ سخن بعضی است که براستی عقل از وصف حال آنان ناتوان أست؛ هنگامی که می گویند: این عملیات، هیچ رابطه ای با إسلام و کتابهای آسمانی و انسانیت، ندارد و ما آنرا محکوم می کنیم..! {كَبُرَتْ كَلِمَةً تَخْرُجُ مِنْ أَفْوَاهِهِمْ إِنْ يَقُولُونَ إِلاَّ كَذِبًا} (الکهف : ٥) " چه سخن بزرگ (خطرناکی) از دهانشان بیرونمی آید، آنان جز دروغ و افتراء نمی گویند."

بله آین جور شخصیت ها کذّاب و حیلّه گرند؛ { يُخَادِعُونَ اللهَ وَالَّذِينَ آمَنُوا وَمَا يَخْدَعُونَ إِلاَّ أَنْفُسَهُمْ وَمَا يَشْعُرُونَ * فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ فَزَادَهُمُ اللهُ مَرَضًا وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ بِمَا كَانُوا يَكْذِبُونَ} {البقرة :٩-١٠} " می خواهند الله و إیمان داران را فریب دهند، ولی بجز نفس خویش را نمی فریبند، ولی خودشان نمی دانند" آیا فرانسه بیش از هزار سال نیست که با إسلام ومسلمانان می جنگد؟ !!

آیا فقط در الجزایر، بیش از ٦ میلیون مسلمان زن و مرد را قتل عام نکرد؟ وبه هزاران زن مسلمان تجاوز ننمود؟ !! آیا أمروز فرانسه نیست که در آفریقای میانه ومالی و أفغانستان و عراق و شام مسلمانان را قتل عام می کند؟!! آیا فرانسه در خود کشور خودش إسلام را محاربه نمی کند؟!! آیا به إلحاد و مسیحی کردن وإنتشار فساد و فاحشه در میان مسلمانان مشغول نیست؟!! آیا سالها نیست که بوسیله زور و قدرت در کشورش حجاب را از سر خواهران مسلمانمان بر میدارد و آنان را از حجاب شرعی منع می کند؟!!



سربازان فرانسوی، سر دو الجزایری را جدا کرده و با آن‌ها عکس می‌گیرند. (نوشته زیر عکس: ساخت فرانسه. مکان: الجزایر)

آیا الله تعالی در کتاب عزیز چنین نفرموده: { وَكَتَبْنَا عَلَيْهِمْ فِيهَا أَنَّ النَّفْسَ بِالنَّفْسِ وَالْعَيْنَ بِالْعَيْنِ وَالأَنْفَ بِالأَنْفِ وَالأُذُنَ بِالأُذُنِ وَالسِّنَّ بِالسِّنِّ وَالْجُرُوحَ قِصَاصٌ ...} (المائدة : ٤٥) ، " و در آن (کتاب آسمانی) بر آنان مقرّر داشتیم که انسان در برابر انسان (کشته می‌شود) و چشم در برابر چشم و بینی در برابر بینی و گوش در برابر گوش و دندان در برابر دندان و جراحتها قصاص دارد.." " وقال تعالی:

{ وَالَّذِينَ إِذَا أَصَابَهُمُ الْبَغْيُ هُمْ يَنْتَصِرُونَ * وَجَزَاءُ سَيِّئَةٍ سَيِّئَةٌ مِثْلُهَا} (الشوری : ٣٩-٤٠) " و کسانیند که اگر ستمی بدیشان شد ، خویشتن را یاری می‌دهند،کیفر هر بدی ، کیفری همسان آن است".. وقال تعالی: {وَإِنْ عَاقَبْتُمْ فَعَاقِبُوا بِمِثْلِ مَا عُوقِبْتُمْ بِهِ} (النحل : ١٢) " اگر آنان شما را مورد عقاب قرار داده اند، شما نیز آنان را عقاب دهید بهمان گونه که آنان شما را عقاب دادند " قال تعالی: {الشَّهْرُ الْحَرَامُ بِالشَّهْرِ الْحَرَامِ وَالْحُرُمَاتُ قِصَاصٌ فَمَنِ اعْتَدَى عَلَيْكُمْ فَاعْتَدُوا عَلَيْهِ بِمِثْلِ مَا اعْتَدَى عَلَيْكُمْ وَاتَّقُوا اللهَ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللهَ مَعَ الْمُتَّقِينَ} (البقرة : ١٩٤) " ماه حرام در برابر ماه حرام است (و اگر دشمنان احترام آن را نگاه نداشتند، و در آن با شما جنگ کردند، شما حق دفاع و مقابله با آنان را دارید و باکی نیست) و (حرمت‌شکنی‌های) مقدّسات دارای قصاص است، (و تجاوزکاریهای نادرست ، پاداش به مثل دارد . به طور کلّی) هر که راه تعدّی و تجاوز بر شما را در پیش گرفت، بر او همانند آن، تعدّی و

تجاوز کنید (چه آغازکردن تعدّی و تجاوز ممنوع است، لیکن در برابر آن دفاع از خویشتن و مبارزه برای اخذ قصاص آزاد است)، و از خشم خدا بپرهیزید و بدانید که خدا با پرهیزگاران است.

شیخ ابن عثیمین رحمه الله در (فتح ذی الجلال و الإکرام شرح بلوغ المرام) ج١٤ ص٨٠، می فرماید: اگر سؤال شود: آگر آنان (یعنی کفار) بچه ها و زنان ما را قتل عام کنند، آیا ما می توانیم زنان و بچه هایشان را قتل عام کنیم؟ آنچه آشکار است ما می توانیم با آنان معامله به مثل کنیم بخاطر عمومی بودن، این آیه قرآن که می فرماید: { فمن اعتدی علیکم فاعتدوا علیه بمثل ما اعتدی علیکم } (بقرة ١٩٤) زیرا این عدالت است.. و هرگاه سؤال شود: اگرمردان آنان، زنان و فرزندان ما را قتل عام کنند، گناه زنان و فرزندان آنان چیست که ما آنها را قتل عام کنیم؟ می گوییم: زنان و بچه گان گناهی ندارند، ولی ما معامله به مثل می کنیم، واگر ما چنین نکنیم قضیه بر علیه ما منقلب میشود، بلکه شاید آنان بیشتر بر قتل زنان و فرزندان ما جرئت به خود داده و فرو روند، علیرغم اینکه درین راه، خسارت در کشتار زن وفرزندان مسلمانان و همچنین خسارت در کشتار زنان و فرزندان مشرکان (که بعنوان مال و جاریهٔ برای مسلمانان بحساب می آیند) با هم جمع گشته و دو چندان خواهد شد،، اما در آن مصلحت، وجود دارد و آنهم عبارت است از: عزت مسلمانان، و عزت مسلمانان مهم تر از مال است. "

و شیخ أحمد یاسین رحمه الله در شأن قتل آنچه بعنوان مردم مدنی یهود آمده است، می گوید: در إینجا دومعادله وجود دارد که باید إسرائیلی ها (پناه بر خدا که آن یهودی ها به پیامبر خدا إسرائیل نسبت داده شوند) از آن آگاه باشند؛ معادله اول: تجاوز به مردم مدنی از ملت ما، که حق مسلّم ما درین مورد ردّ عدوان ومقابله به مثل است، و هرگاه بر ملت و مردم فلسطین ما تجاوز نمودند و آنان را قتل عام کردند، آیا حق ما نیست که بوسیله أسلحه ای که آنان بکار برده اند (برای کشتار ما) از خود دفاع کنیم؟!! دوم: معادله دیگری: وجود اشغالگران بر سرزمین ما،و اشغال نظامی و إقامت گزیدن است، ما در برابر این اشغالگری و قصد اقامت بدون هیچگونه حدود و قید و بندی، مقاومت خواهیم کرد، تجاوز به مردم مدنی را بهمان شیوه با ردّ فعل علیه مردم إسرائیل جواب می دهیم و هرگاه دست به کشتار مردم بزنند و بر آنان یورش آورند، آنرا حق خود می دانیم که مقابله به مثل نماییم و آنها در إبتدا ظلم نمودند، پس شروع کننده ظالم تر است."

إمام قرطبی در تفسیر این آیه چنین می فرماید: { وإن عاقبتم فعاقبوا بمثل ما عوقبتم به} (نحل١٢٦) می گویند: این آیه عام است برای همه موارد" می فرماید: هیچ اختلافی وجود ندارد براینکه، این آیه بعنوان أصلی در مقابله بمثل در قصاص بکار می رود" و می گوید: در حدیثی که نسائی از انس بن مالک روایت نموده است؛ " کنیزکی را یافتند که سرش در میان دو سنگ خرد شده بود، ازش پرسیدند: چه کسی با تو چنین کاری کرده است؟ آیا فلان بود؟ یا فلان؟ تا اینکه إسم یک نفر یهودی را ذکر نمودند، (آن کنیز) به إشاره سر آن را تأیید کرد که کار وی بوده، پس پیامبر صلی الله علیه وسلم، امر فرمودند که سرش را میان دو سنگ خرد کنند، و در روایت مسلم و بخاری آمده است که: رسول الله صلی الله علیه وسلم میان دو سنگ او را به قتل رساند." و این نص صریح صحیحی است . و بلکه مقتضای همان آیه قرآن است:{ وإن عاقبتم فعاقبوا بمثل ما عوقبتم به} ، وقوله : {فاعتدوا علیه بمثل ما اعتدی علیکم} (انتهی)

ودر حدیث صعب بن جثامهٔ رضی الله عنه آمده است که گفت: از رسول الله صلی الله علیه وسلم سؤال شد از حمله شبانگاهی بر مشرکان که زنان و فرزندانشان را نیز فرا میگیرد (در کشتن) آنحضرت فرمودند: آنان نیز جزو آنانند" (متفق علیه) شیخ ابن عثیمین در شرح بلوغ المرام می گوید: این حدیث إشاره می کند به آنچه علماء رحمهم الله فرموده اند،که: آنچه به تبع (یعنی به تبعیت از قتال با مردانشان که زنانشان نیز نزدشان قرار دارند) ثابت میشود در حالی که بصورت مستقل(مستقل بدین معنی که جدا از جنگجویان ودور از آنها هستند) ثابت نگشته است، که عبارت است از، کشتن زنان و فرزندان مشرکان درشبانگاه است." پس کشتن شبانگاهی زن و فرزندان جایز است اگرچه آنان زن و فرزندان ما را نکشته باشند، پس برای فرانسه به طریق أولی جایز است که او قرنهاست مسلمانان را قتل عام می کند، وبطور مداوم دولتی محارب، و دشمن کافری است که ما به قتال با آنان قبل از شروع از جانب آنها أمر شده ایم.. اگرقتل زنان و أطفال در شبنگاهی جایز باشد، پس مردانشان به طریق أولی، و هیچ اعتباری در سخن کسانی که می گویند : اینها مدنی بودند، نیست، ودر شریعت ما چیزی باسم مدنی و نظامی وجود ندارد، بلکه آنچه در اسلام آمده است ؛ کافر یا محارب است و یا معاهد، پس هر کافری که که با ما در جنگ باشد و یا میان ما وآنان عهد وپیمانی نباشد، حربی است و خون ومال وذریتش حلال است..

تمبر فرانسوی مربوط به سال ۱۹۲۲ که سرهای بریده‌ی مراکشی‌ها به دست ارتش فرانسه را تصویر کرده است.



قصاص عادلانه چنین إقتضا می کند که مسلمانان، باید دهها میلیون فرانسوی را قتل عام کنند، و زنان و فرزندانشان را بعنوان کنیز بگیرند وسرزمین آنان را بدست آورند و بر هر آنکس که باقی مانده، جزیه بگذارند، واین موضعی شرعی است در برابر آن کافران فاجری که الله تعالی در کتابش ما را در إبتدا به قتال با آنان أمر می فرماید: {وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لاَ تَكُونَ فِتْنَةٌ وَيَكُونَ الدِّينُ لِلَّهِ} (البقرة : ۱۹۳) "و با آنان بجنگید تا فتنه ای باقی نماند و دین برای الله باشد" ابن کثیر رحمه الله در تفسیر این آیه می فرماید: (سپس الله تعالی به قتال با کفار أمر می کند، { حتی لاتکون فتنة } : فتنه یعنی: شرک. این قول ابن عباس، أبوعالیة ومجاهد، وحسن بصری، وقتادة و ربیع ومقاتل بن حیان و سدّی و زید بن أسلم است.

{ویکون الدین لله} یعنی: تا دین الله بر سائر أدیان، ظاهر (والاتر) باشد، همانگونه که در صحیحین (بخاری و مسلم) ثابت گشته است: عن أبی موسی الأشعری ، قال : سئل النبی صلی الله علیه وسلم عن الرجل یقاتل شجاعة ، ویقاتل حمیة، ویقاتل ریاء ، أی ذلک فی سبیل الله ؟ فقال: "من قاتل لتکون کلمة الله هی العلیا فهو فی سبیل الله" از أبوموسی أشعری رضی الله عنه روایت است که سؤال شد از رسول الله صلی الله علیه وسلم درباره کسی که بعنوان شجاعت می جنگد، وکسی که به خاطر غیرت و کسی بخاطر ریاء می جنگد، کدامیک از إینها فی سبیل الله است؟ فرمود: کسی که فقط برای إعلای کلمه الله

جنگ کند ، در راه خدا حساب میشود." و همچنین در صحیحین (بخاری و مسلم) آمده است که فرمود: " أُمرتُ أن أقاتل الناس حتى يقولوا : لا إله إلا الله ، فإذا قالوها عصموا منى دماءهم وأموالهم إلا بحقها ، وحسابهم على الله " به من فرمان داده شده ، که با مردم بجنگم تا بگویند لااله الاالله، اگر آن را گفتند، خون ومال آنان در عصمت است مگر به حق خودش (یعنی حقوقات إسلام) و حساب (باطن) آنان بسوی الله است." .. وقول الله تعالی که می فرماید: {فإن انتهوا فلا عدوان إلا على الظالمين } : أگر دست برداشتند، آنگاه عدوان (تجاوز) فقط بر دسته ظالم أست." می فرماید: اگر از شرک و قتال با مؤمنان، دست برداشتند، آنگاه شما نیز از قتال با آنان دست بکشید زیرا بعد از آن هر کسی با آنها قتال نماید، پس او ظالم بحساب می آید، و تجاوز بر ظالمان صورت میگیرد، واین معنی قول مجاهد است که می گوید: قتال صورت نمی گیرد مگر با کسی که قتال می کند، یا می خواهد با مسلمانان قتال راه بیاندازد، اگر دست کشیدند، همانا از ظلم (که همان شرک است) نجات یافته اند، و بعد از آن نباید تجاوزی بر آنان صورت گرفت، و مقصود از عدوان در اینجا؛ معاقبه ومقابله به مثل أست، مانند قول الله تعالى که می فرماید: {فمن اعتدى عليكم فاعتدوا عليه بمثل ما اعتدى عليكم} و در قول دیگری می فرماید: { وجزاء سيئة سيئة مثلها} (الشورى: ٤٠) : پاداش بدی، بدی به مانند خودش است" : {وإن عاقبتم فعاقبوا بمثل ما عوقبتم به} (النحل: ١٢٦). و بهمین خاطر عکرمة و قتادة می فرمایند: ظالم کسی است که از گفتن لااله الاالله إباء میکند..)

و الله تعالی درباره چگونگی رفتار با أهل کتاب میفرماید: { قَاتِلُوا الَّذِينَ لاَ يُؤْمِنُونَ بِاللهِ وَلاَ بِالْيَوْمِ الآخِرِ وَلاَ يُحَرِّمُونَ مَا حَرَّمَ اللهُ وَرَسُولُهُ وَلاَ يَدِينُونَ دِينَ الْحَقِّ مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ حَتَّى يُعْطُوا الْجِزْيَةَ عَنْ يَدٍ وَهُمْ صَاغِرُونَ} (التوبة : ٢٩) : قتال و جنگ کنید با کسانی که به خدا وروز آخرت إیمان ندارند و آن چه را که الله و رسولش حرام می دانند، آنان حرام نمی دانند، وبه دین حق إقرار نمی کنند از أهل کتاب، (با آنان بجنگید) تا جزیة را با دستان خویش بطور خوار و پستی به شما پرداخت می کنند." پس نباید جنگ و قتال با آنان را متوقف کرد، تا به سرزمین آنان وارد نشده وبا جنگجویانشان قتال نکرده، و زنانشان را به عنوان کنیز نگرفته و جزیه را بر آنان تحمیل نکرد، این مُنتهای قتال بین ما آنان است، و رابطه طبیعی بین مسلمانان و اهل کتاب بدین شیوه است، و بجز اینگونه رفتار،همه رفتارهای دیگر یا بطور استثناء است؛ مانند، عهد و پیمان، یا حرام است؛ مانند متوقف نمودن قتال بطور دائمی، یا

دوستی یا رفاقت یا بعنوان موالاۀ و دوستی با آنان... زیعلی در کتاب (تبیین الحقائق) می فرماید: (الجهاد فرض کفایۀ إبتداءً) یعنی: جهاد، در حالت إبتدا و شروع، فرض کفایۀ أست، یعنی؛ واجب است بر ما که إبتداء ما به قتال و جنگ با آنان شروع کنیم اگرچه آنها با ما جنگ نکنند، بخاطر قول الله تعالی که می فرماید: { وقاتلوا المشرکین کافّۀ} ، وبا همه مشرکان به جنگ بروید، و براین قول إجماع أمت قرار دارد.) انتهی...

بعضی، دین خود را فروخته، و بر آن گندیده های کافر گریه و زاری می کنند، البته نه به خاط چیز خاصی، بلکه می خواهند با اینکار، (وسطی بودن) ومیانه روی تحریف شده خویش را إظهار کنند، و بعضی دیگر قصد سیاحت و سفر پاریس را دارند، پس می خواهند از قبل أشک های تمساح گونه خود را (برای إرضای کافران) ریخته باشند، و بعضی بر طبق هوا وهوس طاغوت ها فتوا می دهند، و بعضی دیگر إغفال شده می گویند: که فرانسه، در سوریه همراه معارضین نظام أسد بوده است، و این سخن از عجیب ترین آنهاست،!! بلکه برعکس فرانسه بود که نصیری ها را در سوریه بر مردم مسلمان مسلّط کرد، و او بود که چندین دهه نظام نصیری را پشتیبانی می نمود، فرانسه أصل و أساس بلاها بود برای سوریۀ، و هرکسی چنین وانمود کند که با این أشک ریختن ها می تواند فرانسه را از خود راضی کند، براستی قول الله تعالی و آیات قرآن را تکذیب نموده است، که می فرماید: وَلَنْ تَرْضَی عَنْکَ الْیَهُودُ وَلاَ النَّصَارَی حَتَّی تَتَّبِعَ مِلَّتَهُمْ قُلْ إِنَّ هُدَی اللهِ هُوَ الْهُدَی وَلَئِنِ اتَّبَعْتَ أَهْوَاءَهُمْ بَعْدَ الَّذِی جَاءَکَ مِنَ الْعِلْمِ مَا لَکَ مِنَ اللهِ مِنْ وَلِیٍّ وَلاَ نَصِیرٍ} (البقرۀ : ١٢٠) " یهود ونصاری هرگز از شما راضی نمی گردند، مگر اینکه از ملت (راه و برنامه و فرهنگ) آنان تبعیت کنید، و اگر تو (ای محمد) دنبال هوی وهوس آنان بروی بعد از آنکه از جانب الله تعالی به تو علم وآگاهی رسیده است، آنگاه هیچگونه دوست و یاری دهنده ای از طرف الله برای تو نیست." این آیه یک سیلی در صورت جماعت های سوریه می زند که آنگونه لکه عار وننگ را بر روی خود مالیده اند و در قضیه کشتار پاریس، خود را به گریه زده اند. پس گوارا باد تبعیتشان از هوی وآرزوی حامی صلیب، پس در کوچه های تنگ پاریس بدنبال کسانی بگردند که آنان را یاری می دهد، درحالی که الله تعالی به پیامبرش صلی الله علیه و سلم خبر داد: که اگر از هوی وهوس نصاری تبعیت کند، هرگز وی را نصرت نخواهد داد، چه برسد

به جماعتهای منحرفی که عقیده خود را در تلاش بی فایده و ناموفق ومنافقانه ای برای راضی نمودن نصاری ، فروخته اند.!!

براستی که صف ها در شام، کم کم از هم جدا میگردند، و بعضی از جماعت ها موالاۀ و دوستی خود را با کفار إظهار نموده اند، که این، ردّه صریح از دین است، از الله تعالی می خواهیم که هر فرمانده ای که دست در دست کفار قرار میدهد بر علیه برادران مسلمانش، به هلاک بیاندازد، و از الله عزوجلّ می خواهیم که سربازان این جماعت ها را هدایت داده تا از آن جماعت جدا شوند و یا فرمانده دیگری را که خشیت الله تعای در قلب اوست، جایگزین کنند. براستی که تراوش هایی از تصنیف کفار درباره جماعت ها میان معتدل و تروریست نمایان شد، معتدل در فرهنگ کافران، جماعتی است که دوست او باشد ودر راه تحقیق مصالح تحالف صلیبی قدم بردارد، اما إرهابی و تروریست؛ که در لیست سیاه ثبت گشته؛ جماعتی است که با کافران عداوت و دشمنی می ورزد یا جماعت هایی که هنوز موضع خود را روشن نکرده اند، وبعضی از آنان بعنوان یک أهرم فشاری، بمباران خواهند شد تا موضع خویش را بیان نمایند، اما وهرکسی به طرف کافران میل کند، همانا کفر را انتخاب نموده، وکسی که بسوی مسلمانان میل کند، یا با کافران بجنگد، و در این راه استوار بماند، او بر خیر است ان شاءالله، و از الله تعالی می خواهیم که این جماعات إرهابی (غیرمعتدل) ی را که در در لیست سیاه قرار گرفته اند، تحت یک پرچم پرعزت و شدید برعلیه کافران، جمع گرداند..

اگر إبلیس روزی از روزها از از مسلمانان راضی شود، اما نصاری پاریس هرگز از آنان راضی نمی گردند، وهرکسی در آن شکّ داشته باشد، جاهل به تاریخ است، جاهل به قرآن است، ومخصوصاً جاهل به حال فرانسه است، هرکسی میخواهد برود و تاریخ معاصر الجزایر را مطالعه کند، وهرکسی خواست، تاریخ تونس و لبنان و سوریه ومغرب وموریتانیا و ساحل عاج ونیجریه ومالی وسنگال و جمهوری آفریقای میانه و چاد و جزیره ماداگاسکار و شمال عراق را مطالعه کند، آنچه فرانسه در این دولت ها انجام داده است، از هتک حرمت و خونریزی و محاربه دین اسلام، از وصف خارج است، وعکس هایی را که در هر صفحه و لینک وکتابی می بینیم از جمجمه سر علمای مسلمانان که فرانسوی ها بخاطر تسلیت خاطر آنرا بر روی تمبر ها و کتابها و آلبوم هایشان گذاشته اند و به قتل و سر بریدن

مسلمانان افتخار می نمایند، وهمچنین گورهای دسته جمعی و تعدّی جنسی وتجاوز دسته جمعی، و تغیر زبان و تغیر دین مردم در آن کشورها با زور قهر و ذلت، همه وهمه اینها نشانگر مسابقه فرانسه با دشمن صهیونی اش در دشمنی با إسلام أست، بلکه آنچه فرانسه در قالب یک دولت ، یک قرن به مسلمانان و اسلام ضرر رسانده است خیلی بیش تر از آفعال یهود در چهارده قرن گذشته است...

بحقیقت گریه برای کشته گان کافران فرانسه، و چشم پوشی از کشته گان مسلمانان در عراق و شام ومالی و افغانستان، عین نفاق است، و اگر (إنسانیت) است، گریه بر أطفال مسلمانان مقدم تر است بر گریه برای زنان ومردان فاجر فرانسوی،.. پس چگونه شرع، ما را به قتال کافران و خوشحالی به مصیبت وارده بر آنان أمر می کند،.. عقل بعضی ها کجا رفته؟ إیمان آنان کجاست؟ إسلام آنان کجاست؟ إنسانیت آنان بنسبت آنچه در شام و عراق وافغانستان رخ میدهد، کجا رفته؟ اگر از أکثر مسلمانان بپرسی: آن هجوم های مبارک پاریس ، چند کشته و زخمی به جای گذاشت؟ بدون هیچگونه تردیدی ، عدد مشخصی را به زبان می آورند، بلکه إسم کشته شدگان آن عملیات وکسانی را که علمیات را انجام دادند، را می دانند، بلکه بعضی ها إسم سگی را که در آن عملیات کشته شد، نیز می دانند، اما اگر از عدد مسلمانان کشته شده در آن روز یا روز قبلی ویا روز بعدی بپرسی که چقدر بود؟، نمی دانند، و بلکه اسم خلبانان فرانسوی، که عراق و سوریه را روزانه موشک باران می کنند ، نمی دانند، بخاطر اینست، که هوای نفس و (عشقشون) پاریسی است نه شامی و عراقی، آنان تابع پیامبر و حضرت رسانه ییشان اند که سخنان زیبا و فریبنده و دروغ را بر آنان وحی می کند، واگر آنان به امور مسلمانان اهمیت می دادند، حقیقت آن همه خون پاکی را که در کوچه های تنگ حمص وحلب وحماه و دیر الزور و رقّه و تدمر و درعا و غوطه و حسکه و إدلب ریخته شد را درک می نمودند.. و پی می بردند به اینکه آن خونهای کثیفی را که در پاریس ریخته شد، با یک قطره أشک طفل شامی مسلمان که خانواده اش را بسبب بمباران فرانسه از دست داده است، هیچوقت مساوی نیست...ونخواهد بود...

ما دولت إسلامی را سرزنش می کنیم که فقط صد و خرده ای کافر فرانسوی را در این عملیات کشت، این مقدار سینه و قلب إیمان داران را شفا نمی دهد، تمنا می کنیم که قلب إیمان داران را

بوسیله قتل میلیون ها فرانسوی و بریطانی وآمریکایی و روسی ودولت های کافر در پیمان صلیبی، شفا دهد، همانگونه که قلب ما را روزانه با قتل رافضی و نصیری ها شفا می دهد، این که گفتم کمترین عددیست در مقابل قتل عام دهها میلیون مسلمان در یک قرن، که براستی مستحق آنند، براستی که أهل إسلام اندوهگین شدند که این عملیات عدد بسیار کم وناچیزی را قربانی نمود...

از الله تعالی می خواهیم ، آن کسانی را که در انجام این غزوۀ مبارک تلاش نمودند در علیّین و در زمره صدّیقین و شهداء وصالحین قرار دهد، و خداوند مجاهدان را توفیق دهد تا جهاد را به قلب سرزمین کافران برسانند وآنان را در خون بغلطانند، همانگونه که آنان در سرزمین مسلمانان، چنین نمودند، عادلانه نیست که سرزمین ما ویران گشته و ناموس ما هتک حرمت شوند و أطفال و زنان ما کشته شوند اما کافران در سرزمین خویش سالم در أمن و أمان زندگی کنند و با زنان و فرزندانشان خویش لذت ببرند، اما در همان حال، فرزندان ما به خوردن جانور و حشرات مجبور گردند یا از ترس بمباران آن کافران حاقد، در دریاها غرق شوند،.. أطفال ما همه أعضای بدنشان قطعه قطعه شده و روده و جمجمه هایشان بسبب موشکهای فرانسوی و صلیبی ها در خون غلطیده و بیرون بیاید، و لی أطفال و فرزندان آنها در پارک و باغ ها و رقّاصه خانه ها به بازی و رقص وآواز مشغول باشند.. أصل آنست که زنان و بچه هایشان، باید بعنوان جاریۀ و خدمتکار در خانه های ما خدمت میکردند،.. اما چگونه حال مسلمانان به اینگونه ذلّت و عار و رسوایی و خضوع در مقابل کافران تبدیل گشته است؟! بلکه فطرت بعضی منقلب گشته و برای قاتل مسلمانان گریه کرده ونسبت به حال کشته گان مسلمانان جاهل اند..! در آثار آمده است که می فرماید: " من لم یهتمّ بأمر المسلمین فلیس منهم " کسی که به أمور مسلمانان أهمیت ندهد از زمره آنها نیست." همانگونه که علما می گویند: گرچه أثر ضعیفی است اما معنای آن صحیح است ، باید برخی بنگرند که قلبشان کجاست؟ ! فکر وولاء آنان کجاست؟ !

در حدیث آمده است می فرماید: "أوثقُ عُرَى الإیمانِ : الموالاةُ فی الله ، والمُعاداةُ فی الله ، والحبُّ فی الله ، والبُغضُ فی اللهِ عزَّ وجلَّ" (حدیث صحیح : صحیح الجامع) : " محکم ترین ریسمان إیمان؛ دوستی در راه الله و دشمنی در راه الله ست، دوست داشتن در راه الله و کینه ورزی در راه الله است."

پس بغض وکینه توزی با کافران فرانسوی دینی است که بر أساس آن برای الله بندگی می کنیم، و هرکسی با آنان کینه ورزی نکند، هیچ نصیبی از إیمان ندارد، و دشمنی با فرانسوی ها دینی است که بسبب آن برای الله بندگی می کنیم، و کسی که با آنان دشمنی نکند، هیچ نصیبی از إیمان نبرده است..

از بزرگترین صورتهای منقلب گشتۀ موازین ولاء و براء و حب و بغض در راه الله، آنچه است که از بعضی منافقین صادر میشود؛ به مجاهدانی که خود را به صف کافران پاریس فرو برده تا انتقام خون زن و أطفال مسلمانان را بگیرند،طعن زده و لعن میگویند، سپس برای کشته گان (شهدای)! کافر پاریس، ابراز تاسف و ترحم می کنند، براستی که این منافقان، إیمان خود را نقض نموده و از عقیده خود بازگشته اند و خود را از دین بلکه فطرت خود، رهانیده اند..

هرمخلوقی از فطرت خودش دفاع می کند، وبر هرکسی که بر وی اعتداء نموده است، هجوم میبرد، أما این منافقان، کار مجاهدانی را که بخاطر دفاع از فطرت ونفس ومقدسات خویش هجوم آورده اند، را محکوم می کنند، و زبان حال آنان چنین می گوید: فرانسوی ها، در قتل و خونریزی زنان و أطفال مسلمانان مختارند و هرچقدر می خواهند قتل عام کنند، اما مسلمانان به هیچ وجه حق دفاع از خود را نداشته و حق تعرض به فرانسوی ها را ندارند، براستی که اینها الله تعالی بر قلبشان مهر زده و عقلشان را گم کرده اند، ونمی خواهند پند بگیرند، وإیمان را نشناخته و هیچ قیمتی برای دین، در وجودشان قائل نیستند...

همانا الله عزوجلّ دفاع از نفس را حتی در فطرت حیوانات و حشرات وحتی بعضی از نباتات قرارداده است، اینها می خواهند مسلمان، دست در کمر، ایستاده و با إجلال و بزرگی به کسی که حرمتش را هتک می کند، بنگرد،! این چه نفسی است که فطرتش حتی به درجه حشرات نیز نگشته است که از خود دفاع کند، سگ نجس از ناموسش دفاع می کند، و خروس از مرغش دفاع میکند، وشتر از ماده خود دفاع می کند، اما تنها حیوانی که برای ماده خودش بی غیرت است، گراز است، اینها از گراز نیز کم ترند، زیرا گراز اگرچه از ماده اش دفاع نمی کند اما از خود و حیاتش، دفاع می کند...

این ابراز همدردی با کافران فرانسه، واین عاطفه نشان دادن، که بر روی روزنامه و مجله وکانال های اجتماعی منتشر گشته، در حقیقت به حدّ و مستوای إیمان در قلب ها و ولاء و دوستی برای کافران،

إشاره میکند، و طعن و لعن ومحکوم نمودن مجاهدان نیز، جزء ساده ای از قصاصی است که که به برائت از مسلمانان إشاره میکند، و این همه گردهمایی و اجتماعات وموافقت ها یی که میان کافران و نوکرانشان، بعد از این غزوۀ مبارک انجام شد، دلیل بزرگی است بر اینکه کافر برای کافر مانند دیواری جوش زده محکم اند ....

ای کاش مسلمانان ، ازین خویشاوندی کافران با یکدیگر، که همدیگر را تکفیر می کنند، و باهمدیگر کینه توزند، یاد میگرفتند: فرانسه کاتولیک، آمریکا و بریطانیای پروتستانت را تکفیر می کنند، و خوارج می دانند ومی گویند که آنان بر علیه کلیسای رومانی خروج کرده اند، و آنان نیز کاتولیک را تکفیر کرده وآنها را بت پرست می داند، و اینها جنگ های شدیدی در طی سالیان طولانی باهم داشتند، اما هنگامی که احساس خطر نمودند، همه جمع گشته و بر علیه دشمن واحد متفق شده اند !! أما أهل إسلام همانند تیشه ای ضربه به همدیگر می زنند، وهرگاه دشمن بمیان بیاید: متفرق گشته و با هم اختلاف وتنازع می کنند و خانه هایشان را بدست همدیگر و دست کافران بر سر خود ویران می نمایند، و مسلمانان در سوریه، علیرغم وجود بعضی از پرچم های إسلامی نزدیک به هم، ولی أنانیت و غرور و عُجب مانع متحد شدن آنان گشته ، وتجدید وبازنگری در اخلاص برای الله تعالی ، و تقدیم مصلحت أمت بر مصالح شخصی وحزبی وآرزوهایی نفسانی از اختلافات می کاهد و باعث میشود تا دست واحدی گردند بر علیه دشمنان، وحتی اگر اخلاص ودین و إیمانی نیز نبود، عقل، حکم حتمی وحدت بین آنان را صادر میکرد زیرا دارای یک مصیر واحد و یک دشمن واحدند..

اللهم علیک بالکفار: اللهم احصهم عددا ، واقتلهم بددا ، ولا تغادر منهم أحدا .. اللهم أرنا فی أعداء الإسلام عجائب قدرتک .. اللهم دمّر بلادهم ، واقتل رجالهم ، واجعل ذراریهم ونسائهم وأموالهم غنیمۀ للمسلمین .. اللهم لا تُمتنها حتی نری رایۀ العقاب فی بیت المقدس والکرملن والبیت الأبیض وروما ولندن .. اللهم ازرع فی قلوب قادۀ الجهاد الإخلاص لک ، ووحد بفضلک ومنّتک رایات المسلمین .. والله أعلم .

وصلی الله علی نبینا محمد وعلی آله وصحبه وسلم
کتبه: شیخ حسین بن محمود (حفظه الله)